قیمت‌گذاری مبتنی بر بیع مرابحه و تأمین مالی مشارکتی بر اساس مشارکت در سود و زیان را داشته باشند.»[۴]

اسلام دارای مبانی هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه ویژه‌ای است. در نتیجه باید دارای روش ویژه‌ای در توضیح و تبیین وقایع اقتصادی باشد؛ زیرا امروزه به اثبات رسیده است که مبانی هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه در گزینش روش‌ها مؤثرند.

بر این اساس می‌توان گفت که اسلام دارای دو نوع علم اقتصاد است:

۱. «علم اقتصاد اسلامی مطلق» که به توصیف و تبیین پدیده‌های اقتصادی در جوامع انسانی می‌پردازد و جهان‌شمول است و ۲. «علم اقتصاد اسلامی مشروط» که به توصیف و تبیین پدیده‌های اقتصادی در جامعه اسلامی می‌پردازد. هر دو علم را می‌توان به صفت اسلامی متصف کرد. اولی را به این لحاظ که روش و قوانین آن مبتنی بر جهان‌بینی و مبانی معرفت‌شناسانه اسلامی است و دومی را به این لحاظ که افزون بر روش و قوانین، موضوع آن نیز جامعه‌ای است که در آن قواعد مذهب و عناصر نظام اقتصادی اسلام تحقق یافته است.

بر این اساس دو اشکال به شهید صدر وارد می‌شود:

۱. جامعه‌ای که در آن مذهب و نظام اقتصادی اسلام تحقق یافته است، موضوع علم اقتصاد اسلامی مشروط است و اسلام دارای علم اقتصاد اسلامی مطلق نیز هست که موضوع آن جامعه انسانی است. فایده این علم تبیین صحیح رفتارهای اقتصادی حتی در جامعه غیراسلامی است.

۲. در علم اقتصاد اسلامی مشروط، وضعیت مطلوب تفسیر و تبیین می‌شود، نظریه‌های علمی از مفروضات و مسلّماتی که از آموزه‌های اسلامی به‌دست می‌آید، به روش قیاسی ساخته می‌شود و از جهت منطقی صحیح نیست که برای اثبات صحت و سقم آن‌ها به آزمون‌های تجربی استناد شود؛ زیرا مفروض این است که این نظریات برای تبیین وضعیت موجود نیست، بلکه برای تبیین وضعیت مطلوب است؛ بنابراین، این ادعای شهید صدر که «نظریه‌های علمی به‌دست‌آمده از این طریق برای توضیح برخی حقایق زندگی اقتصادی در جامعه اسلامی مفید است، ولی این‌گونه تفسیرها تا زمانی که با تجارب جمع‌آوری‌شده از واقع خارجی آزمون نشود، نمی‌تواند مولد علم اقتصاد اسلامی به‌صورت عام و دقیق آن شود؛ زیرا بسیاری مواقع، بین زندگی واقعی و تفسیراتی که بر اساس فروض صورت می‌گیرد، تفاوت وجود دارد.» درست نیست؛ زیرا نظریاتی که از این طریق به‌دست می‌آید، برای تفسیر واقع موجود نیست، بلکه برای تفسیر وضعیت مطلوب اسلامی است.

۲ هدف علم اقتصاد اسلامی

آیا هدف علم اقتصاد اسلامی تنها توضیح، تبیین و پیش‌بینی پدیده‌های اقتصادی یا به تعبیر شهید صدر تفسیر پدیده‌های اقتصادی است یا هدفی هنجاری و دستوری نیز دارد؟ یا اینکه هر دو را با هم در دستور کار خود قرار داده است؟[۵]

باید گفت که اسلام دین هدایت است و هدف آن رساندن انسان‌ها به قله کمال (عبودیت خداوند) است. هدف چنین دینی نمی‌تواند تنها توصیف و تبیین وضع موجود باشد، بلکه توصیف و تبیین وضع موجود مقدمه‌ای لازم برای حرکت به سمت وضع مطلوب است. علم اقتصاد اسلامی نیز که یکی از علوم اسلامی است، هدف آن تنها توصیف و تبیین و پیش‌بینی درباره وضع موجود نیست، بلکه هدف هنجاری نیز دارد؛ بنابراین، اشکال دیگر نظریه شهید صدر(ره) این است که علم اقتصاد اسلامی در هدف نیز همچون موضوع، با علم اقتصاد سنتی تفاوت دارد.

ممکن است در این‌جا از شهید صدر(ره) چنین دفاع کنیم که ایشان بخش دستوری اهداف سه‌گانه فوق را در قالب مفهوم مذهب و نظام دیده است؛ بنابراین آنچه می‌توان در مقابل این دو مطرح کرد، چیزی جز علم به مفهوم اثباتی آن نیست؛ اما به نظر می‌رسد این دفاع صحیح نیست. در حقیقت این دفاع ناشی از خلط بین مفهوم مذهب و نظام و علم اقتصاد دستوری (سیاست‌ها) است. مذهب و نظام اقتصادی ظرف وضعیت موجود یا مطلوب را که در آن بررسی‌های علمی صورت می‌گیرد، ترسیم می‌کنند. علم اقتصاد اثباتی، رفتارها را در یک نظام اقتصادی مطالعه می‌کند و علم اقتصاد دستوری برای رسیدن به نقطه مطلوب در چارچوب همان نظام اقتصادی سیاست‌هایی را پیشنهاد می‌کند؛ بنابراین در بحث‌های مذهب و نظام اقتصادی، چارچوب موجود و مطلوب و اصول حرکت از یک چارچوب به چارچوب دیگر مطرح است، ولی در بررسی‌های علمی اثباتی یا دستوری، ظرف بررسی‌ها ثابت فرض شده و در یک نظام ثابت، وضعیت موجود و مطلوب و سیاست‌های حرکت از یک وضعیت به وضعیت دیگر بحث می‌شود.

۳. روش علم اقتصاد اسلامی

ویژگی مشترک روش‌های علم اقتصاد سنتی ابتنا بر ماده‌گرایی در هستی‌شناسی و نفی وحی به عنوان منبع شناخت است. در این علم فرض می‌شود جهان محصور در علل مادی است و علل مجرد وجود ندارد و انسان موجودی مادی است و ابعاد مجرد و معنوی ندارد و منابع شناخت نیز منحصر در عقل و تجربه است. این در حالی است که بر اساس مبانی جهان‌بینی و معرفت‌شناسی اسلامی، جهان دارای علل مجردی است که بر عالم ماده مؤثر است و انسان نیز دارای دو بعد مادی و مجرد است و افزون بر عقل و تجربه، وحی نیز یکی از منابع شناخت است؛ بنابراین انتظار آن است که روش علم اقتصاد اسلامی با علم اقتصاد سنتی تا حدودی متفاوت باشد.

***عضو پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اقتصادی و پژوهشگر حوزه اقتصاد اسلامی**

پی‌نوشت‌ها:

۱. نظریه‌پردازی در اقتصاد اسلامی، أحمد شوقی دنیا، ترجمه: خداداد جلالی، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، سال سوم، شماره ۱۲، صص۱۳۲ و ۱۳۳.

۲. روش‌شناسی علم اقتصاد اسلامی، محمد أنس زرقا، ترجمه: ناصر جهانیان و علی‌اصغر هادوی‌نیا، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، سال سوم، شماره ۱۰، ص۱۲۳.

۳. اقتصاد اسلامی: تعریف و روش، منذر قحف. این مقاله با عنوان «islamic economics: notes on definition and methodology» بر روی سایت منذر قحف موجود است. مقاله مزبور توسط نویسنده این مقاله ترجمه شده و در گروه اقتصاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی موجود است.

۴. همان.

۵. أحمد شوقی دنیا در مقاله «نظریه‌پردازی در اقتصاد اسلامی» که پیش از این معرفی شد، این پرسش را مطرح کرده و به آن پاسخ می‌دهد. پاسخ ایشان واجد دقت‌هایی که در این مقاله شده، نیست.